

باقر انصاری*

مقدمه‌ای بر مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی

چکیده:

اینترنت به عنوان یک پدیده جهانی مسایل حقوقی مختلفی را در کشورهای مختلف جهان و از جمله در کشور ما مطرح کرده است. تلاش‌های زیادی نیز از سوی حقوقدانان و قانونگذاران برخی کشورها برای حل این مسایل صورت گرفته ولی هنوز «حقوق اینترنت» نضج کافی نیافته و در حال شکل‌گیری است. مقاله حاضر به یکی از مهمترین و شایع‌ترین مسایل حقوقی اینترنت یعنی مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی می‌پردازد تا فعالیت‌های زیانبار در این عرصه را معرفی و قواعد حاکم بر آنها را تا حد ممکن تشریح کند. به همین منظور، با مطالعه و استقراء در آثار حقوقی، قوانین، مقررات و رویه قضایی آن دسته از کشورهایی که در پاسخگویی به مسایل حقوقی مربوط به ارتباطات اینترنت نسبت به سایرین پیش قدم بوده‌اند چند فعالیت زیانبار در حوزه ارتباطات مذکور شناسایی و مسایل حقوقی مربوط به آنها بررسی شده است. این فعالیت‌ها عبارتند از: نقض حقوق مؤلف، نقض علایم تجاری، لینک‌های غیرمجاز، نقض نام حوزه‌ها، نقض حریم خصوصی و هتک حرمت. نویسنده بر این باور است که قواعد حقوقی مناسب در حوزه‌های مذکور هنوز ایجاد نشده است و آنچه در این مقاله مطرح شده صرفاً به عنوان مقدمه و در چارچوب تحولاتی است که تاکنون صورت گرفته است.

واژگان کلیدی:

مسئولیت مدنی، اینترنت، ویروس‌های رایانه‌ای، نقض حقوق مؤلف، نقض علایم تجاری، نقض نام حوزه‌ها، لینک‌های غیرمجاز، تجاوز به حریم خصوصی.

طرح مسأله

در مطالعه احکام مسئولیت مدنی دو رویکرد کلی وجود دارد: گاهی احکام مسئولیت مدنی به عنوان مجموعه‌ای که در برابر احکام مسئولیت کیفری، مسئولیت اداری، مسئولیت انضباطی و سایر انواع مسئولیت‌ها قرار می‌گیرد مورد توجه است که در این صورت، قواعد کلی حاکم بر مسئولیت مدنی صرف‌نظر از انواع افعال زیانباری که احتمال تحقق دارند مورد مطالعه قرار می‌گیرند. از این قواعد می‌توان به «قواعد عمومی مسئولیت مدنی»^۱ تعبیر کرد. اما گاهی رویکرد حقوق‌دانان یا پژوهشگر به احکام مسئولیت مدنی بدان جهت است که می‌خواهد قواعد عمومی مسئولیت مدنی را بر مصداق‌های خاصی از افعال یا فعالیت‌های زیانبار اعمال کند. برای مثال، در صدد آن است که بداند قواعد عمومی مسئولیت مدنی در مورد خطاهای پزشکی، معماری، وکالت، قضاوت، روزنامه‌نگاری و سایر فعالیت‌های انسانی چه تغییر و تحولاتی پیدا می‌کند. اگر در قواعد عمومی مسئولیت مدنی چند نظریه مهم دربارهٔ مبنای مسئولیت مدنی وجود دارد، کدام مبنا با مقتضیات حرفهٔ پزشکی یا معماری یا وکالت یا قضاوت و یا روزنامه‌نگاری سازگار است. در این رویکرد، به جای عنوان قواعد عمومی، عناوین «حقوق اعمال نامشروع زیانبار»، «مسئولیت مدنی ناشی از خطای حرفه‌ای» یا «مسئولیت‌های مدنی»^۲ استعمال می‌شود تا نشان دهد که منظور قواعد خاص حاکم بر هر یک از فعالیت‌های حرفه‌ای زیانبار است.

«مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی» موضوعی است که با توجه به رویکرد دوم به آن می‌پردازیم. منظور از مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی آن است که چنانچه در نتیجه فعل هر یک از اشخاص مختلفی که با مقاصد و عناوین متفاوتی با اینترنت سروکار دارند به حقوق یا منافع اشخاص دیگری خسارت وارد آید، چه شخص یا اشخاصی، بر چه مبنایی و چگونه باید به جبران خسارت ملزم شوند. یعنی، هرگاه شخصی با طراحی یا وارد کردن یک ویروس به شبکه اینترنت، اطلاعات و مطالب نرم‌افزاری بسیاری از کاربران را در سراسر جهان از

1- Tort law

2- Law of torts

بین ببرد یا تغییر دهد یا تحریف کند؛ یا یک دایرکننده شبکه اینترنت^۱ یا یک ایجادکننده نقطه تماس اینترنتی^۲ یا تهیه کننده محتوای اینترنتی^۳ یا ارائه دهنده خدمات اینترنتی^۴، حقوق انحصاری مادی یا معنوی پدیدآورندگان آثار ادبی یا هنری یا علائم تجارتي و یا تبلیغاتی اشخاص را نقض کنند؛ یا اگر از طریق اینترنت به حقوق مربوط به شخصیت لطمه وارد آید برای مثال، هتک حرمتی انجام شود یا حریم خصوصی اشخاص مورد تجاوز قرار گیرد؛ یا اگر شخص یا اشخاصی که به نحوی با اینترنت سروکار دارند به طور غیرمجاز به سایت خصوصی یک شخص وارد شده و اطلاعات آن را مورد دستبرد قرار دهند (لینک غیرمجاز)^۵ مسئول کیست؟ آیا مسئولیت انفرادی است یا تضامنی؟ آیا ناشی از فعل شخص است یا ناشی از فعل غیر یا ناشی از فعل اشیاء؟ آیا مسئولیت نقض کننده حقوق و منافع دیگران از طریق اینترنت، مسئولیت مبتنی بر تقصیر است یا مبتنی بر خطر و یا مبتنی بر تضمین حق است و یا اینکه در هریک از فروض خاص باید مبنایی خاص را انتخاب کرد؟ زیاندیدگان چه نوع خسارت‌هایی را و تا چه اندازه می‌توانند مطالبه کنند؟ اینها پرسش‌هایی است که احکام مربوط به مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی باید به آنها پاسخ گوید و از حاصل این پاسخ‌هاست که صورت و ماهیت ویژه این مسئولیت از دیگر انواع مسئولیت‌ها متمایز می‌شود.

نکته‌ای که در وضع کنونی نظام حقوقی ما بر اهمیت مسئولیت مدنی در مقایسه با مسئولیت کیفری می‌افزاید آن است که بسیاری از فعالیت‌های زیانباری که از طریق اینترنت انجام می‌شوند هنوز در قوانین ما عناوین کیفری خاصی ندارند و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و رعایت تفسیر مضیق در مورد جرایم و مجازات‌ها مانع از آن هستند که با استناد به احکام کیفری به جبران خسارت و تنبیه مرتکب فعل زیانبار اقدام شود. لذا تنها ابزار حقوقی که در اختیار زیاندیدگان از این گونه فعالیت‌ها وجود دارد مسئولیت مدنی است.

1- Network provider

2- Access provider

3- Content provider

4- Service provier

5- Unauthorized link

علاوه بر آنچه گفته شد، در تبیین احکام مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی باید در نظر داشت که اینترنت جز در برخی عرصه‌های شخصی نظیر پست الکترونیک (E-mail)، یک عضو از خانواده رسانه‌های همگانی به شمار می‌رود. از همین رو، از حقوق، آزادی‌ها، امتیازات و مسئولیت‌های این خانواده نیز متأثر است. اگر رسانه‌های همگانی حق «آزادی بیان»^۱ و «آزادی اطلاع‌رسانی»^۲ دارند یا اگر از «حق پاسخگویی»^۳ و «تفسیر منصفانه»^۴ برخوردارند یا از «امتیازهای مطلق و محدود»^۵ استفاده می‌کنند، در حل مسائل مربوط به مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی نیز باید آنها را لحاظ کرد. (۱) بدین ترتیب، تبیین مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی نه تنها مستلزم توجه به قواعد عمومی مسئولیت مدنی و استخراج قواعد خاص حاکم بر جبران خسارت‌های ناشی از ارتباطات اینترنتی است، بلکه معطوف به قواعد عمومی حاکم بر فعالیت رسانه‌های همگانی و ارتباطات جمعی و استنباط قواعد خاص حاکم بر ارتباطات از طریق اینترنت نیز می‌باشد. زیرا، ارتباطات اینترنتی ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر رسانه‌های همگانی متمایز می‌گرداند و به همین دلیل، باید متناسب با ویژگی‌ها و مقتضیات آن، احکام خاصی را برای تنظیم ارتباطات از طریق این رسانه در نظر گرفت.

به طور معمول، احکام مربوط به مسئولیت مدنی را در سه بخش به ترتیب ضرر، تقصیر یا فعل زیانبار و رابطه سببیت میان فعل زیانبار و ضرر وارد آمده مورد مطالعه قرار می‌دهند. اما این شیوه برای تبیین قواعد عمومی مسئولیت مدنی به کار می‌رود و در «مسئولیت‌های مدنی» که مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی در زمره آنها می‌باشد آنچه اهمیت دارد تبیین ماهیت فعل زیانبار یا تقصیر است^۶ و سایر احکام مسئولیت‌های مدنی حرفه‌ای با توجه به عموماً

1- Freedom of expression

2- Freedom of information

3- Right to reply

4- Fair comment

5- Absolute and qualified privilege

۶- در فرضی که تقصیر را مبنای مسئولیت بدانیم می‌توانیم آن را معادل فعل زیانبار استعمارکنیم. اما در فرضی

که تقصیر را مبنا ندانیم باید عبارت فعل زیانبار را به کار ببریم.

مسئولیت مدنی مشخص می‌شود. به همین دلیل، در این نوشتار، افعال زیانباری را که به مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی صورت و ماهیت متمایزی می‌دهد و آن را از سایر انواع مسئولیت‌های مدنی مشخص می‌گرداند مورد مطالعه قرار می‌دهیم. این افعال عبارتند از:

۱- ایراد خسارت از طریق ویروس‌های رایانه‌ای

۲- نقض حقوق مؤلف (کپی رایت)

۳- نقض علائم تجارتي

۴- لینک‌های غیرمجاز

۵- نقض نام حوزه‌ها

۶- نقض حریم خصوصی

۷- هتک حرمت

بند اول: ایراد خسارت از طریق ویروس‌های رایانه‌ای

برخی اشخاص برنامه‌های رایانه‌ای خاصی را طراحی کرده یا می‌سازند که حاوی دستور حذف یا تحریف یا افشای محتوای برنامه‌های رایانه‌ای یا به هم ریختن نظم برنامه‌های رایانه‌ای دیگران یا حاوی دستور متوقف کردن فعالیت عادی اشخاصی هستند که درصدد برقراری ارتباط از طریق اینترنت هستند و به طور کلی برنامه‌هایی را می‌سازند که در روند عادی فعالیت نرم‌افزاری یا سخت‌افزاری دیگر رایانه‌ها اختلال ایجاد می‌کنند. این برنامه‌ها به «ویروس‌های اینترنت» موسومند. چون، همانند ویروس‌های طبیعی که به زیست موجودات زنده لطمه می‌زنند و در سطح وسیع قابل انتشار هستند، این برنامه‌ها نیز به روند مورد انتظار ارتباطات اینترنتی لطمه زده و در سطح جهانی قابل انتشار هستند. سازندگان این برنامه‌ها هکرها خوانده می‌شوند که گاهی از سرکنجکاو و ماجراجویی و گاهی برای کسب منافع مادی که از حاصل فروش برنامه‌های ویروس کش به دست می‌آید و گاهی نیز به قصد اضرار به غیر دست به چنین

اقدامی می‌زنند. ویروس‌کش‌ها برنامه‌هایی هستند که متعاقب وارد کردن ویروس در شبکه اینترنت، معمولاً توسط خود هکرها طراحی شده و روانه بازار می‌شوند.

باید خاطر نشان کرد که در حقوق برخی کشورها همانند آلمان و ایالات متحده که قواعد خاصی برای تنظیم ارتباطات اینترنتی تدوین شده است صرف فراهم آوردن امکان دسترسی یا ارتباط با اطلاعات یک سایت یا سیستم که ممکن است اتفاقاً امکان چاپ یا ذخیره اطلاعات موجود در آن را در اختیار دیگر سایت‌ها و سیستم‌ها یا کاربرها قرار دهد سبب ایجاد مسئولیت برای در دسترس قرار دهنده ارتباط اینترنتی نمی‌شود مگر آنکه وی امکان کنترل شخصی بر آن ارتباط را داشته باشد. بنابراین چنین اشخاصی هکر به شمار نمی‌روند. (۲)

در چنین وضعیتی به فرض ارائه تعریف جامع و مانع از هکرها این سؤال مطرح می‌شود که آیا هکرها را می‌توان به لحاظ حقوقی مورد تعقیب قرار داد؟ اگر پاسخ مثبت است تحت چه عنوان یا عناوین حقوقی می‌توان علیه آنها طرح دعوا کرد؟ (۳)

باید گفت پاسخ به این پرسش مستلزم توجه به اوضاع و احوال هر قضیه است و باید متناسب با اوضاع و احوال هر قضیه، عنوان حقوقی خاصی را برای طرح دعوا برگزید. البته، اگر در مورد تعیین عنوان حقوقی مناسب برای تعقیب یک هکر امکان اختلاف نظر وجود دارد درباره نفس امکان تعقیب، چنین اختلاف نظری نیست. چون مهم‌ترین رکن تحقق مسئولیت مدنی ورود خسارت به دیگری است: خسارت نیز امری است که برای احراز آن از دو نوع ضابطه شخصی و عرفی استفاده می‌شود. (لطمه و صدمه به حقوق و منافی که صرفاً برای دارنده آن حقوق و منافع واجد ارزش بوده است خسارت شخصی و لطمه به حقوق و منافی که به طور نوعی واجد ارزش است خسارت عرفی محسوب می‌شود). حال هر یک از این دو ضابطه که به کار رود، قضاوت نهایی این است که نتیجه عملکرد ویروسی که وارد عملکرد سیستم رایانه‌ای شخص دیگر شده و در آن ایجاد اختلال کرده است ورود خسارت به دارنده یا ذیحق یا ذینفع آن سیستم می‌باشد. لذا، چون ویروس‌ها سبب ورود خسارت می‌شوند سبب مسئولیت برای هکرها می‌شوند. این مسئولیت می‌تواند کیفری یا مدنی باشد. کیفری باشد از آن جهت که شخصی عالماً و عامداً در نظم عادی ارتباطات مردم اختلال ایجاد می‌کند و مدنی باشد از آن

جهت که به حقوق یا منافع شخصی کاربران لطمه و صدمه می‌زند. با توجه به اینکه موضوع این نوشتار مسئولیت مدنی است لذا از بحث‌های مربوط به مسئولیت کیفری صرف‌نظر کرده و به مسئولیت مدنی هکرها می‌پردازیم.

در این مقاله مراد ما از مسئولیت مدنی مفهوم عام آن یعنی یک الزام خارج از قرارداد یا مسئولیت قهری است. این التزام قهری می‌تواند یکی از عناوین مسئولیت مدنی به مفهوم خاص کلمه، اتلاف، تسبیب، غضب و ورود غیرمجاز به محدوده مالکیت غیر، استرداد داراشدن غیرعادلانه و یا سایر دعاوی مشابه را داشته باشد.

در حقوق کامن‌لا حسب اینکه چه نوع خسارتی به وسیله ویروس وارد آمده باشد عنوان دعوا فرق می‌کند. گاه به دعوی *trespass* معنای تازه و بیشتری داده می‌شود و مداخله عمدی را که مانع استفاده کاربر از مالش می‌شود *trespass* قلمداد می‌کنند. لازمهٔ متمرثر بودن این دعوا، متقاعد ساختن دادرس به پذیرش تحقق یک تجاوز فیزیکی به سیستم رایانه‌ای است؛ چون، تجاوز فیزیکی شرط استماع دعوی *trespass* می‌باشد. به همین دلیل خواهان باید استدلال کند که ویروس به لحاظ فیزیکی سیستم رایانه‌ای وی را مورد تجاوز قرار داده است و این ویروس نماینده و ترجمان خوانده‌ای است که آن را در شبکهٔ اینترنت وارد کرده است. گاهی نیز از عنوان *Conversion* (غصب) برای تعقیب هکرها استفاده می‌شود. مورد به کارگیری این عنوان آنجاست که شخصی به‌طور غیرقانونی مال شخص دیگری را به خدمت خود می‌گیرد به گونه‌ای که مانع از آن می‌شود تا مالک قانونی بتواند تصرف مالکانه‌اش را صورت دهد. در واقع در مواردی که ویروس، داده‌های سیستم‌های رایانه‌ای دیگر را سرقت کرده و در اختیار هکر قرار می‌دهد می‌توان از عنوان غضب برای تعقیب هکر استفاده کرد و با وجود این، برخی حقوقدانان ایراد می‌کنند که استفاده از عنوان غضب مختص آن دعوی است که یک مال محسوس^۱ موضوع غضب باشد (مثل اتومبیل). در پاسخ به این ایراد نیز استدلال شده است که وقتی یک ویروس، منابع رایانه‌ای یک شرکت یا دانشگاه را مسدود نمی‌کند اقدامش بیشتر از جداکردن برخی اجزای

سیستم رایانه‌ای از آن، غضب تسهیلات رایانه‌ای محسوب می‌شود. این استدلال نیز به نوعی توسعه معنای سنتی دعوای غضب می‌باشد. دعوای افترا و توهین^۱ بی‌مبادلاتی^۲، نقض حریم خصوصی^۳ نیز ممکن است حسب اوضاع و احوال قضیه علیه هکرها اقامه شود. (۴)

در نظام حقوقی ایران، با توجه به مواد قانون مدنی، قانون مسئولیت مدنی و نیز قانون مجازات اسلامی می‌توان مسئولیت مدنی هکرها را مستند و مستدل کرد.

۱- ماده ۳۲۸ قانون مدنی تلف اموال دیگران را ممنوع و موجب مسئولیت دانسته است: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد. اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است». با توجه به این ماده، ابتدائاً باید از خود پرسید که آیا اطلاعات در زمره اموال محسوب می‌شوند تا اقدام هکرها به از بین بردن آنها اتلاف به شمار آید یا نه؟

در پاسخ باید گفت که اصطلاح مال مفهوم وسیعی دارد و شامل اعیان، منافع، حقوق، عدم‌المنفع و نیز برخی بخت‌ها و فرصت‌های مسلم مالی می‌شود. حقوق، خود به انواعی تقسیم می‌شود و شامل حق فرد بر تمامیت جسمی، یا بر حیثیت خانوادگی یا بر شهرت تجاری یا آزادی افراد و سایر حقوق مرتبط می‌شود که اتلاف در مورد همه حقوق صرف نظر از موضوع آنها ممکن است رخ دهد. منتها مسأله‌ای که وجود دارد تعیین نوع اتلاف به لحاظ اتلاف بالمباشره بودن یا اتلاف بالتسبیب بودن می‌باشد. یعنی آیا ویروسی که یک هکر در شبکه اینترنت وارد کرده و از این طریق به اطلاعات و داده‌های نرم‌افزاری افراد صدمه می‌زند وسیله و ابزاری تلقی می‌شود که در دست هکر قرار گرفته است و در نتیجه هکر مباشر به شمار می‌رود یا اینکه ویروس، واسطه میان هکر و خسارات وارد آمده می‌باشد و در نتیجه هکر مسبب به شمار می‌رود و نه مباشر؟ در این صورت به ماده ۳۳۱ قانون مدنی می‌توان استناد کرد که مقرر می‌دارد:

1- Libel

2- Negligence

3- Invasion of privacy

«هرکس سبب تلف مالی بشود باید مثل و قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهدهٔ نقص آن برآید.»

تفاوتی که میان احکام اتلاف و تسبیب از نقطه نظر بحث ما حایز اهمیت است آن است که در اتلاف تقصیر شرط ایجاد مسئولیت نیست اما در تسبیب عمل مسبب باید تقصیر کارانه باشد. همچنین در اتلاف، شخص مستقیماً مال غیر را تلف می‌کند در حالی که در تسبیب برای اتلاف مقدمه‌سازی می‌شود که احتمال دارد آن مقدمه به نتیجه منجر شود یا اینکه عقیم بماند. (۵)

۲- همانند حقوق کامن‌لا در مواردی که ویروس، مانع از استفادهٔ دارنده یا ذینفع یا ذیحق یک سیستم رایانه‌ای از داده‌ها و اطلاعات سیستم رایانه‌ای می‌شود می‌توان به احکام غضب در قانون مدنی استناد کرد. چه، به موجب ماده ۳۰۸ قانون مدنی: «غضب استیلا برحق غیر است به نحو عدوان؛ اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غضب است». بنابراین برای تحقق غضب کفایت شخصی بر حق دیگری استیلا پیدا کند و معیار تحقق استیلا نیز داوری عرف است. چنانکه شخص در ماشینی که کلید آن را در تصرف دارد یا خانه‌ای که در آن سکونت دارد استیلا دارد. با توجه به اینکه برخی ویروس‌ها فعالیت عادی سیستم‌های رایانه‌ای را متوقف کرده و هکرها را بر منابع نرم‌افزاری آنها مسلط می‌گرداند می‌توان غضب را مبنایی برای مسئولیت هکرها شناخت.

۳- ماده یک قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «هرکس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت جهانی یا هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». در مورد فعالیت هکرها با توجه به این ماده می‌توان گفت که اگر نتوان اقدام آنها را در حذف، از بین بردن، تحریف و برهم ریختن اطلاعات و داده‌های سیستم‌های رایانه‌ای دیگر تلف‌تَمال و مضمول حکم ماده ۳۲۸ قانون مدنی به شمار آورد می‌توان با استناد به این قانون، اقدامات هکرها را تحت عنوان لطمه به مال، حیثیت یا شهرت تجاری یا سایر حقوقی که به موجب قانون برای اشخاص ایجاد گردیده به شمار آورد و مسئولیت مدنی هکر را مستند کرد. تفاوتی که مسئولیت مستند بر مادهٔ

یک مذکور با ماده ۳۲۸ قانون مدنی دارد در مبنای مسئولیت هکر می‌باشد. مسئولیت هکر طبق ماده یک قانون مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر است در حالی که در ماده ۳۲۸، مسئولیتی است بدون تقصیر.

۴- از برخی احکام قانون مجازات اسلامی نیز می‌توان مسئولیت مدنی هکرها را استنباط کرد. البته تفسیر موسع این احکام برای ایجاد مسئولیت کیفری هکرها مورد ایراد می‌باشد. برای مثال می‌توان به ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که می‌گوید: «هرکس عمداً اشیاء منقول یا غیر منقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد». همچنین می‌توان به حکم ماده ۶۸۷ همان قانون اشاره کرد که می‌گوید: «هرکس در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی از قبیل آب و فاضلاب، برق، نفت، گاز، پست و تلگراف و تلفن و مراکز فرکانس و ماکروویو و رادیو و تلویزیون و متعلقات مربوط به آنها... و دستگاه‌های تولید و توزیع و انتقال آنها به هزینه یا سرمایه دولت یا با سرمایه مشترک دولت و بخش غیردولتی یا توسط بخش خصوصی برای استفاده عمومی ایجاد شده و ... مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خرابکاری دیگر شود بدون آنکه منظور او اخلال در نظم و امنیت عمومی باشد به حبس از ۳ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد». بالاخره آنکه به مواد ۶۶۴ و ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی می‌توان استناد کرد که ماده نخست، تهیه و ساخت کلید یا هر نوع وسیله دیگر برای ارتکاب جرم را ممنوع می‌سازد که ساخت و طراحی و پروس را می‌توان از مصادیق آن دانست و ماده بعدی اعلام می‌دارد که: «هرکس مال دیگری را بریاید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد به حبس از ۶ ماه تا یک سال محکوم خواهد شد ...».

بند دوم: نقض حقوق مؤلف در اینترنت

یکی دیگر از مسائل مهم مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌ها یا ارتباطات اینترنتی نقض

حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری^۱ است. در کشور ما و نیز سایر کشورها، قوانین و مقررات خاصی در مورد حقوق مذکور و جلوگیری از نقض آنها در جریان فعالیت رسانه‌های همگانی همانند مطبوعات، رادیو و تلویزیون به چشم می‌خورد؛ لیکن، پرسش اصلی آن است که آیا قوانین و مقررات موجود، موارد و مصادیق نقض حقوق مؤلف در اینترنت را نیز شامل می‌شوند یا اینکه باید به تدوین قواعد خاصی در این باره دست زد؟ با فرض اینکه بتوان احکام مربوط به حقوق مؤلف در ارتباطات اینترنتی را از قواعد، قوانین و مقررات موجود استنباط کرد، این احکام استنباطی، چه وجوه اشتراک و چه وجوه افتراقی با احکام سایر وسایل ارتباط جمعی خواهد داشت.

برای تبیین نقض حقوق مؤلف در جریان ارتباطات اینترنتی، ابتدا به تعریف حقوق مذکور می‌پردازیم؛ سپس مصادیق نقض و احکام حاکم بر آنها را توضیح می‌دهیم.

۱- تعریف حقوق مؤلف

در اصطلاح حقوقی، حقوق مؤلف عبارتست از مجموع حقوق و امتیازات مادی و معنوی پدید آورندگان آثار علمی، هنری، سینمایی و غیره. (۶) ماده یک قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (مصوب ۱۱ دی ماه ۱۳۴۸)، مؤلف، مصنف و هنرمند را «پدید آورنده» و آنچه را که از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن سلیقه یا روشی که در بیان یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته است «اثر» نامیده است.

آثاری که متعلق کپی‌رایت یا حقوق مؤلف قرار می‌گیرند متنوع هستند که در مجموع حقوق متعلق به آنها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: (۷)

۱- حقوقی که جنبه مادی یا مالی دارند نظیر حق نشر، حق تکثیر، حق نمایش، حق اجرا، حق پخش از رادیو و تلویزیون، حق تبدیل اثر به فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، حق ترجمه اثر. حقوق مالی قابل ارزیابی به پول بوده و مدت حمایت از آنها محدود به زمان است. این

حقوق در زمره حقوق قابل نقل و انتقال نیز به شمار می‌روند.

۲- حقوقی که جنبه معنوی یا غیرمالی دارند: مهم‌ترین حقوق معنوی پدیدآورندگان عبارتند از: تصمیم‌گیری در مورد انتشار یا عدم انتشار اثر که از نتایج و آثار حق ولایت یا سلطه بر «اثر» به شمار می‌رود؛ حق حرمت اثر، حق انتساب اثر به پدیدآورنده آن و حق عدول یا پس گرفتن اثر. حقوق معنوی در زمره حقوق مربوط به شخصیت تلقی می‌شوند که قابل ارزیابی به پول نبوده و غیرقابل انتقال از طریق قرارداد هستند.

حقوق مذکور، حقوق انحصاری پدیدآورندگان «آثار» هستند یعنی هیچ شخصی غیر از مالک یا ذینفع اثر ادبی یا هنری یا بدون رضایت آنها حق ندارد بخش اساسی آثار آنها را کپی نماید؛ نمی‌تواند آثار آنها را بدون اجازه منتشر کند؛ یا به نام خود منتشر کند؛ یا به خود نسبت دهد؛ یا ترجمه کند؛ یا تبدیل به برنامه رادیویی یا تلویزیونی، اینترنتی یا فیلم سینمایی کند و الا مرتکب نقض حقوق مؤلف شده است. (۸)

۲- مصادیق نقض حقوق مؤلف در اینترنت

علاوه بر هکرها که در مورد ماهیت فعالیت آنها توضیحاتی در صفحات پیشین ارائه شد، «رساها» یا ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی (ISP) و سازندگان وب سایت‌ها بیش از سایرین مرتکب نقض حقوق مؤلف در اینترنت می‌شوند که ذیلاً به بررسی این موضوع می‌پردازیم.

۲-۱- نقض حقوق مؤلف توسط رساها (۹)

گفتیم که نقض حقوق مؤلف در اینترنت زمانی رخ می‌دهد که یکی از حقوق انحصاری (مادی یا معنوی) پدیدآورنده در جریان اتباطات اینترنتی مورد تجاوز قرار بگیرد. از میان این حقوق می‌توان به حق ممانعت دیگران از تولید مجدد یا کپی کردن یک اثر، نمایش یک اثر به عموم یا توزیع و تکثیر آثار اشاره کرد. اکنون اضافه می‌کنیم که عمده‌ترین موارد نقض کپی‌رایت توسط ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی یا رساها رخ می‌دهد. رساها خدمات دسترسی به اینترنت را در ازاء دریافت وجه برای مشتریان انجام می‌دهند. آنها همچنین داده‌های مختلفی را برای

استفاده مشتریان خود ذخیره می‌کنند که می‌توان به داده‌های ذخیره شده بر سرور گروه خبری usenet یا سرور world wide web اشاره کرد. مسئولیت رساها در قبال فعالیت‌ها و اقدامات آنها در برابر مشتریان، عموماً مبتنی است بر شناخت آنها از فعالیت مشتری. اگر رساها از رفتار مشتری خودش ناآگاه باشند بسیاری از دادگاه‌های خارجی تمایل به آن دارند که آنها را در قبال آن رفتار مسئول به شمار آورند. ارائه دهندگان خدمات on-line در صورتی مسئول نقض کپی‌رایت خواهند بود که به‌طور مستقیم در کپی‌کردن یک اثر حمایت شده دخالت داشته باشند. برای مثال، اگر یک رسا، از یک داستان پرفروش کپی صورت دهد یا یک کپی تقلید شده از microsoft word (که یک نرم‌افزار برای انجام خدمات تایپ و ویرایش و تکثیر و ... می‌باشد) بر بخش بولتن (Bultin board) یا وب سایت خود قرار دهد مرتکب نقض کپی‌رایت شده است. در این فرض رساها با سایر نقض‌کنندگان کپی‌رایت هیچ فرقی ندارند.

علاوه بر این، ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی ممکن است به خاطر نقض حقوق مؤلف مسئول شناخته شوند، حتی اگر آنها به‌طور مستقیم در کپی‌کردن آثار مورد حمایت دخالت نداشته باشند. برای مثال، آنها در مقابل تجهیزاتی استفاده می‌کنند نظیر استفاده از رایانه‌ای که همانند سرور عمل می‌کند یعنی می‌تواند بدون دخالت مستقیم یک شخص اقدام به کپی‌کردن نماید مسئولیت دارند. در نتیجه این سؤال مطرح می‌شود که یک رسا چه هنگامی به خاطر کپی‌های صورت گرفته از طریق آن تجهیزات یا وسایل مسئولیت دارد؟ مثال دیگر آن است که سرورهای گروه خبری که به‌وسیله رساها کنترل می‌شوند، هر روز هزاران فایل از گروه‌های خبری را کپی می‌کنند. گرچه بسیاری از آن فایل‌ها مسلماً حاوی مطالب و آثار حمایت شده به وسیله قواعد حقوق مؤلف می‌باشند تاکنون هیچ ارائه‌دهنده خدمت اینترنتی یافت نشده است که به خاطر نقض حقوق مؤلف به این شکل مسئول شناخته شود. دلیل این امر آن است که اقدام سرورهای گروه خبری برای آنها ناشناخته بوده و آنها مستقلاً عمل می‌کنند.

با وجود این هر رسا باید از این نظریه موجود در حقوق مالکیت‌های فکری آگاه باشد که اشخاص ممکن است مسئول نقض حقوق مؤلف شناخته شوند حتی اگر مستقیماً در کپی‌کردن

یا توزیع یک اثر شرکت نداشته باشند. در چنین مواردی «نقض مشارکتی یا نسبی»^۱ رخ می‌دهد. چون شخص (نقض کننده) در فعل شخص دیگری که درصدد نقض حقوق مؤلف دیگری است با علم به این موضوع شرکت می‌کند یا به فعل او کمک می‌کند. همچنین طبق نظریه مسئولیت ناشی از فعل غیر، شخص رسا ممکن است در قبال اعمال ناقض حقوق دیگری مسئول شناخته شود اگر این حق و توانایی را داشته که از اعمال شخص نقض کننده جلوگیری کرده یا بر آنها کنترل داشته باشد و یا اینکه یک منافع مالی مستقیم از نقض حقوق مؤلف عاید او شود. برای تحقق این مسئولیت لازم نیست که خواننده (رسا) علم فعلی نسبت به فعالیت نقض کننده داشته باشد. لذا طبق این دو نظریه، رساها حتی در صورتی که به‌طور مستقیم در نقض کپی‌رایت دیگران دخالت نداشته باشند مسئول شناخته می‌شوند. (۱۰) برای آشنایی با رویه عملی دادگاه‌ها در این باره، یکی از آرای دادگاه‌های کالیفرنیا را به بحث می‌گذاریم.

مسئولیت رساها در قبال اعمال و فعالیت‌های دیگران در سال ۱۹۹۵ در دعوی مرکز مذهبی تکنولوژی علیه Net com (۱۱) (رسا) در یکی از دادگاه‌های کالیفرنیا اثبات شده است. در این دعوا، فایل‌های حاوی آثار واجد حقوق حمایت شده که متعلق به کلیسای علم‌شناسی بود توسط یک سرور خبری که تحت کنترل Netcom بود بر روی یک گروه خبری اینترنت نصب شده بود. در این میان، کاربری، فایل‌ها را بر اینترنت نصب کرد و عملاً از خدمت تابلوی بولتن محلی بی‌بی‌سی که امکان دسترسی به اینترنت از طریق Netcom را فراهم می‌آورد استفاده کرد. کلیسا درخواست کرد که B.B.C و Netcom دسترسی فرد مذکور را به اینترنت قطع کنند و تمام اسناد حاوی آثار متعلق به کلیسا را از سرور تحت کنترل خود حذف کنند. وقتی که B.B.C و Netcom از این درخواست سر باز زدند اختلاف به دادگاه کشیده شد و دادگاه هیچ یک از خوانندگان را مسئول نقض مستقیم حقوق مؤلف کلیسا ندانست. زیرا هیچ یک از طرفین اقدامات مثبتی برای کپی کردن از آن آثار انجام نداده بودند. با وجود این، سیستم‌های رایانه‌ای هر دو طرف به‌طور اتوماتیک جهت دریافت و ارسال آن آثار فعال شده بود و دادگاه این امر را برای احراز نقض

1- Contributory infringement

مستقیم حقوق مؤلف کافی ندانست. در یک دعوای دیگر تحت عنوان مسئولیت ناشی از فعل غیر، دادگاه، باز کلیسا را ذیحق ندانست و اعلام کرد که هیچ یک از خوانندگان (Netcom, B.B.C) نفع مالی مستقیمی از کپی کردن آثار حمایت شده نبرده‌اند. لکن دادگاه اعلام کرد که Netcom طبق نظریه نقض مشارکتی یا نسبی از طریق مشارکت مادی یا کمک مادی به کار فرد نقض کننده ممکن است در مقابل دادگاه مسئول شناخته شود. دادگاه با اذعان به اینکه حتی طبق نظریه نقض مشارکتی هم مسئولیت محقق نمی‌شود مگر آنکه Netcom از نقض آگاه باشد، اظهار داشت که اگر Netcom از وجود مواد یا مطالب و آثار حمایت شده در سرور خود آگاه بوده و یا آگاه نبوده ولی می‌بایست که آگاه باشد و از حذف آنها کوتاهی کند این تقصیر و کوتاهی می‌تواند منجر به نقض مشارکتی شود. اظهارنامه‌ای که کلیسا برای Netcom فرستاده، می‌تواند دلیل کافی باشد تا Netcom به سبب کوتاهی یا تقصیر در عمل کردن به آن اظهاریه مسئول شناخته شود. این دعوا، سرانجام با مصالحه بین Netcom و کلیسا خاتمه یافت.

۲-۲- نقض حقوق مؤلف توسط سازندگان وب سایت‌ها (۱۲)

استفاده از گرافیک برای انتقال اطلاعات به کاربرها یکی دیگر از مصادیق نقض حقوق مؤلف توسط سازندگان وب سایت‌ها در ارتباطات اینترنتی است. گرافیک‌ها و تصاویری که در ارتباطات اینترنتی مورد استفاده قرار می‌گیرند به طرق مختلف ایجاد می‌شوند. گاهی رساها یا سایر اشخاصی که می‌خواهند از گرافیک و تصاویر استفاده کنند، خود اقدام به طراحی و خلق آنها می‌کنند و گاهی از تصاویر متعلق به اشخاص ثالث استفاده می‌کنند. در فرض نخست هرچند ممکن است تصویری که خلق می‌شود مشابه با تصاویر دیگر اشخاص باشد لیکن اگر پای تقلید و کپی در میان نباشد و شباهت صرفاً از باب توارد باشد مسئولیتی ایجاد نمی‌شود. اما اگر در مرحله خلق و ایجاد تصاویر یا گرافیک جدید، از آثار دیگران استفاده شده باشد ممکن است اثری که خلق می‌شود یک اثر اشتقاقی (اقتباسی) بوده و نقض کپی‌رایت به شمار آید. منظور از

اثر اشتقاقی^۱، اثریست که شخص با تلفیق بخشی از یا کل اثر اشخاص دیگر در طرح خود یا در اثر خود ایجاد می‌کند.

در فرضی نیز که از تصاویر و گرافیک اشخاص ثالث استفاده می‌شود قاعده حاکم در قلمرو ارتباطات اینترنتی آن است که: «تصاویر متعلق به دیگران را ندزدید». از همان لحظه‌ای که تصویر اولیه در سخت‌افزار تثبیت می‌شود مورد حمایت حقوق مؤلف است و هر نوع کپی کردن غیرمجاز از این تصویر، نقض حقوق مؤلف پدیدآورنده محسوب می‌شود مگر آنکه یکی از استثنائات استفاده از حقوق مؤلف دیگران نظیر «استفاده منصفانه»^۲ وجود داشته باشد. برخی تصاویر نظیر Internet explorer که متعلق به شرکت میکروسافت است ممکن است کپی شود اما تنها در صورتی که کپی‌کننده شرایطی را که استفاده از آن تصویر را مجاز می‌دارد قبول کرده باشد. برخی از این مجوزها (یعنی شرایطی که استفاده از تصاویر موجود در اینترنت را مجاز اعلام می‌دارد) تصریح می‌کنند که کپی‌کننده به هیچ وجه حق ندارد که ظاهر تصویر را تغییر دهد و تنها می‌تواند از آن تصویر به عنوان یک «لینک»^۳ به برخی سایت‌های مشخص استفاده کند. برخی از تصاویر نیز به صورت آزاد در اینترنت وجود دارند. یعنی برخی سایت‌ها تصاویری را عرضه می‌کنند که برای استفاده دیگران می‌باشد. این تصاویر مادام که شرایط پیشنهاد شده از سوی سازنده تصویر رعایت شوند ممکن است در یک «صفحه اینترنتی»^۴ مورد استفاده قرار گیرند و نوعاً، این سایت‌ها شرط می‌کنند که در ازاء لینک به آنها باید یک نوع اعتبار به مؤلف داده شود که این اعتبار معمولاً عبارت از یک لینک به سایت مؤلف می‌باشد.

متن پردازی برای یک صفحه اینترنتی تابع همان اصول تصویرپردازی است. متنی که کاملاً ابتکاری بوده و توسط پدیده آورنده وب سایت پردازش شده باشد از حقوق مؤلف برخوردار است. همانند تصاویر، تصاحب متن اشخاص ثالث بدون اجازه آنها غیرقانونی است مگر اینکه یک استفاده منصفانه در کار باشد. سرانجام آنکه، استفاده از متن اشخاص ثالث طبق یک قرارداد

1- Derivative work

2- Fair use

3- Link

4- Web page

مجوز استفاده، تابع شرایط آن مجوز خواهد بود.

۳- استفاده منصفانه

حقوق انحصاری پدیدآورندگان آثاری که تحت حمایت قواعد و مقررات حقوق مؤلف هستند با برخی محدودیت‌ها مواجه است. مشهورترین محدودیت، استفاده منصفانه است. فلسفه وضع چنین محدودیتی ایجاد تعادل میان حقوق مالک کپی‌رایت و منافع جامعه در مجاز شمردن کپی کردن از برخی آثار در اوضاع و احوال مشخص و محدود است. (۱۳) جان کلام در دکتترین استفاده منصفانه آن است که هر نوع کپی کردن ممنوع نیست، به‌ویژه در تلاش‌ها و مجاهدت‌های مهم اجتماعی نظیر انتقادکردن، گزارش اخبار، آموزش و تحقیقات می‌توان مرتکب نقض کپی‌رایت شد. چهار معیار برای احراز استفاده منصفانه از آثار دیگران وجود دارد که در صورت وجود این چهار معیار مسئولیتی برای استفاده کننده وجود نخواهد داشت. وگرنه استفاده او، نقض کپی‌رایت تلقی خواهد شد:

- ۱- هدف و وصف استفاده، از جمله اینکه آیا استفاده، ماهیت تجاری داشته یا برای مقاصد آموزش غیرانتفاعی صورت گرفته است؟
- ۲- ماهیت و طبیعت اثری که از آن کپی برداری شده است.
- ۳- میزان و اهمیت ماهوی بخشی که از کل اثر کپی برداری شده، مورد استفاده قرار گرفته است.

۴- تأثیر استفاده بر بازار احتمالی یا ارزش اثری که از آن کپی برداری شده است.

با یک مثال استفاده منصفانه را توضیح می‌دهیم: در نظر بگیرید متن کوتاه از یک داستان دراز در یک بررسی روزنامه‌ای از آن داستان، استفاده منصفانه تلقی می‌شود. اما اعمال چهار ضابطه و معیار فوق ممکن است نتایج متداخلی را ایجاد کند. با اعمال ضابطه اول که هدف و وصف استفاده را مورد توجه قرار می‌دهد چون ذکر بخشی از داستان در یک روزنامه انتفاعی صورت گرفته است ما را بدان رهنمون می‌کند که استفاده منصفانه‌ای در کار نبوده است. اما این حقیقت که هدف استفاده، بررسی کردن و نقد آن اثر بوده است استفاده منصفانه را به اذهان تداعی می‌کند

و احتمالاً این معیار قوی‌تر از معیار اول می‌باشد. با اعمال ضابطه دوم در این مثال، در نظر بگیرید که داستان مذکور منتشر نشده می‌باشد که در آینده تحت حمایت قانون قرار خواهد گرفت. لذا باید نتیجه گرفت که استفاده منصفانه وجود ندارد. زیرا به دشواری می‌توان استفاده از یک اثر منتشر نشده را استفاده منصفانه دانست. با اعمال ضابطه سوم نیز چون تنها یک بخش کوتاه از داستان در بررسی انتقادی از آن مورد استفاده واقع شده باید قائل به استفاده منصفانه شد. اما باید کمیت و کیفیت بخش مورد استفاده شده را نیز در نظر گرفت. چه بسا ممکن است این بخش کوتاه مهم‌ترین بخش داستان بوده باشد و لذا ما را متقاعد کند که استفاده منصفانه‌ای در کار نبوده است. نهایتاً آنکه دادگاه‌ها عامل و ضابطه چهارم را مهم‌ترین ضابطه می‌دانند.

بند سوم: نقض علائم تجاری در اینترنت^۱

الف - تعریف علامت تجاری

علامت تجاری عبارتست از یک کلمه، تصویر، شعار، یا سایر چیزهایی که به منظور تمایز کالاها یا خدمات یک شخص خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. (۱۴) بر اساس قانون ۱۹۹۴ انگلستان هرگونه علامتی که آشکارا قابل تشخیص بوده و بتواند نوعی از کالاها و خدمات را از انواع دیگر متمایز گرداند علامت تجاری نامیده می‌شود که ممکن است به صورت یکی از اشکال زیر باشد. (۱۵)

۱- عبارت یا کلمه نظیر اسم شخص

۲- طرح و تصویر

۳- به صورت شکل یا حرف

۴- به صورت شماره و عدد

۵- به صورت شکل کالاها یا عدل بندی آنها

در حقوق موضوعه ایران، ماده یک قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب

1- Infringement of trademark / Marque de commerce

۱۳۱۰/۴/۱ علامت تجاری را به شرح زیر تعریف می‌کند: «علامت تجاری عبارت از هر قسم علامتی است اعم از نقش، تصویر، رقم، حرف، عبارت، مهر، لفاف و غیر آن که برای امتیاز و تشخیص محصول صنعتی، تجاری یا فلاحتی اختیار می‌شود. ممکن است یک علامت تجاری برای تشخیص محصول جماعتی از زارعین ارباب صنعت یا تجار و یا محصول یک شهر و یا یک ناحیه از مملکت اختیار شود».

علامت تجاری اصولاً باید دارای خصوصیات زیر باشد:

۱- علامت تجاری باید تازگی داشته و برای جنسی که به کار می‌رود جدید باشد.

۲- علامت تجاری وجه تمایز داشته باشد و ابتکاری باشد.

۳- علامت نباید گمراه کننده باشد.

به موجب تبصره یک قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات، ثبت علامت در ایران اختیاری است مگر در مواردی که دولت آن را الزامی قرار دهد. ولی ماده ۱۲ اضافه می‌کند: «حق استعمال علامت تجاری فقط برای کسی شناخته خواهد شد که علامت خود را به ثبت رسانیده باشد».

ب - مصادیق نقض علائم تجاری در اینترنت

شاید مهم‌ترین دلیل برای بسیاری از دعاوی علایم تجاری در اینترنت آن است که فعالیت در اینترنت و شبکه جهانی رایانه‌ای آسان است. بسیاری از مالکان علائم تجاری در اینترنت دنبال نقض کنندگان علایم تجاری خود می‌گردند تا این نقض‌کنندگان را اعم از آنکه عمداً یا به‌طور غیرعمدی علایم آنها را نقض کرده باشند شناسایی کنند. همین امر مسائل زیادی را به دنبال می‌آورد. نوعاً یک شرکت هر زمان که می‌بیند یکی از علائم تجاری او در «صفحه اینترنتی» شخص ثالثی نصب و پردازش شده است ادعای نقض علامت تجاری می‌کند. اما تعیین اینکه آیا نقض علائم تجاری صورت گرفته است یا نه، متضمن تحلیل بیشتر موضوع است. (۱۶) برای مثال، شخصی که وب سایتی را پردازش می‌کند که آن وب سایت تجربه کاری او را با نرم‌افزار میکروسافت توضیح می‌دهد ممکن است علائم تجاری میکروسافت را برای ارجاع به تولیدات خاصی به کار گیرد بدون آنکه ترس از نقض آن علایم را داشته باشد. با وجود این او نمی‌تواند آن

علائم تجاری را به گونه‌ای به کار برد که سبب شود بینندگان آن «صفحه اینترنتی» فکر کنند که او وابسته به میکروسافت بوده و اینکه میکروسافت به طریقی از «صفحه اینترنتی» او حمایت می‌کند. برای مثال، home page متعلق به وب سایت شرکت Bit law، پسوند apple را به موازات این جمله به کار برده است که «این وب سایت با استفاده از تکنولوژی apple ساخته شده است». برخی ممکن است ادعا کنند که پسوند apple در hom page متعلق به شرکت Bit Law نقض علامت تجاری می‌باشد. اما این استفاده به خصوص نقض به شمار نمی‌رود. زیرا، apple خصوصاً این نوع از استفاده‌ها را بر اساس یک مجوز علامت تجاری با پردازشگران وب سایت‌ها مجاز اعلام کرده است. برعکس علائم تجاری و پسوندهای نشان داده شده در صفحه‌ای از وب سایت Bit Law که از علائم تجاری صحبت می‌کند، از سوی مالکان علائم تجاری مجاز دانسته نشده و لذا ممکن است شرکت apple دعوای نقض علائم تجاری علیه شرکت Bit Law اقامه کند.

رساها همانند نقض حقوق مؤلف ممکن است در قبال نقض علائم تجاری مسئول شناخته شوند. در نتیجه اگر یک ارائه دهنده خدمات اینترنتی، خدماتش را تحت یک علامت تجاری‌ای تبلیغ کند که آن علامت به نحو گمراه‌کننده‌ای شبیه علامت شخص دیگری نظیر Net come و IBM Link یا CompuService باشد در معرض اتهام نقض علائم تجاری قرار خواهد گرفت. (۱۷)

رساها به هنگامی که مشتریان آنها از علائم تجاری دیگران سوءاستفاده می‌کنند تقریباً وضعیت متفاوتی دارند. در این صورت آنها ممکن است به آسانی طبق نظریه نقض مشارکتی یا نسبی علامت تجاری، همانند مسئولیت ناشی از نقض مشارکتی حقوق مؤلف مسئولیت پیدا کنند. مسئولیت ناشی از نقض مشارکتی علامت تجاری نیز زمانی وجود دارد که آی.اس.پی.ها، به فعل نقض‌کننده شخص دیگر، با علم به اینکه آن شخص قصد نقض کردن دارد کمک کنند. بر سبیل قیاس می‌توان همان بحثی را که درباره نقض کپی رایت در دعوای Netcom مورد بحث قرار دادیم به نقض علامت تجاری نیز تعمیم داد. (۱۸)

به‌طور کلی نقض علائم تجاری در اینترنت زمانی رخ می‌دهد که یک شخص از علامت

اشخاص دیگر به گونه‌ای استفاده می‌کند که احتمال گمراه شدن/کردن، اشتباه یا فریفتن عمومی مصرف‌کنندگان اینترنت برود. این احتمال گمراه شدن/کردن می‌تواند به آن صورت باشد که تولیدات یا خدمات خواننده، همان‌هایی هستند که تولیدات یا خدمات مالک تجاری؛ یا اینکه خواننده به نحوی شریک، وابسته، مورد تأیید، یا مورد حمایت مالک علامت تجاری یا دارای مجوز از اوست.

برای انتخاب یک علامت تجاری، اشخاص باید توان و قدرت نسبی علامت را در نظر بگیرند. برخی علائم قوی‌تر از دیگر علائم هستند. علائم ساخته شده از کلماتی نظیر Kodak یا Xerox علامت‌های قوی هستند. علائم قوی جدید عبارت از کلماتی هستند که هیچ ارتباطی با خدماتی که در آنها مورد استفاده واقع می‌شوند ندارند. نظیر استفاده از apple برای رایانه‌ها.

بند چهارم: مسئولیت مدنی ناشی از لینک‌های غیرمجاز

الف - تعریف و اهمیت لینک

اینترنت به عنوان وسیع‌ترین شبکه رایانه‌ها، امکان دسترسی به محتوای متنی، گرافیکی، صوتی و تصویری ذخیره شده در فایل‌های میلیون‌ها رایانه فردی را ممکن می‌سازد. لینک صرفاً عبارت است از ارتباط یا اتصال میان محتوای دو فایل متفاوت و یا میان بخش‌های متفاوت یک فایل واحد. لینک ممکن است به یک فایل دیگری در همان وب سایت یا یک فایل در کامپیوتر دیگر که در جای دیگری به صورت مرتبط با اینترنت واقع شده است منتهی شود.

HTML که برای برنامه‌ریزی و پردازش صفحات در وب مورد استفاده قرار می‌گیرد دو نوع لینک را اجازه می‌دهد (۱۹): در لینک اول، HREF که به سرور دستور می‌دهد تا دیدن محتوای ارسال شده از یک نقطه را متوقف سازد و به دیدن محتوای ارسال شده از جای دیگر پردازد. لینک می‌تواند مشاهده‌گر را به نقطه متفاوتی در همان صفحه ببرد یا به یک صفحه دیگری در همان سایت هدایت کند. یک «صفحه اینترنتی» واحد ممکن است متضمن دو گونه لینک به دیگر صفحه‌های اینترنتی باشد. یک صفحه واحد می‌تواند مقصدی باشد برای دو یا صدها یا هزارها لینک به صفحات دیگر.

نوع دوم لینک در HTML، لینک IMG است. این لینک به سرور اینترنت دستور می‌دهد تا متن موجود بر روی صفحه را با یک تصویر گنجانده شده در یک فایل تصویری دیگر تکمیل کند. برای مثال، می‌توان از یک «صفحه اینترنتی» درباره هنر نام برد که در برگزیده تصاویر ذخیره شده در سراسر دنیا است. تلفیق متن و تصویر علی‌رغم این حقیقت که از دو منبع متفاوت اخذ شده‌اند بدون ایراد است. کاربرد، شاید هرگز نداند که تصویر، در همان محل، ایجاد یا ذخیره نشده بوده است. یک لینک IMG بدین گونه از لینک HREF متفاوت می‌شود که یک کاربر پس از لینک HREF خواه از طریق ظاهر متفاوت صفحه‌ای که جدیداً به آن لینک شده یا از طریق تغییر در صفحه آدرس جستجوگر وب معمولاً آگاه است که او صفحات تغییر یافته دارد. بنابراین لینک کردن اصلی‌ترین وسیله دسترسی به اطلاعات عمومی اینترنت می‌باشد. لینک‌ها اجازه دسترسی سریع به اطلاعاتی را می‌دهند که در غیر این صورت باید روزها و حتی سال‌ها برای یافتن آنها وقت صرف شود.

ب - مصادیق لینک‌های غیرمجاز

همان‌گونه که توضیح دادیم لینک کردن قلب و روح شبکه جهانی اینترنت (www) می‌باشد. در نتیجه اگر لینک کردن مجاز دانسته نشود یا به‌طور مجرد، غیرقانونی اعلام شود شبکه مذکور دیگر نباید وجود داشته باشد. از همین رو، تاکنون هیچ دادگاه یا قانون‌گذاری تمام موارد لینک را غیرقانونی اعلام نکرده است. با وجود این، تحلیل مسأله مستلزم تأمل بیشتر است. برای مثال در حقوق آلمان، مسئولیت ارائه دهندگان خدمات دسترسی^۱ به اینترنت که بیش از سایر واسطه‌های اینترنت از لینک استفاده می‌کنند به شرح زیر تدوین شده است (۲۰):

- ۱- ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی به اینترنت در قبال محتوایی که شخصاً در دسترس دیگران قرار می‌دهند طبق قواعد کلی و قوانین عام مسئولیت خواهند داشت.
- ۲- ارائه‌دهندگان خدمات، در قبال محتوای مطالب اشخاص ثالث که در دسترس کاربرها

قرار داده‌اند مسئولیتی نخواهند داشت مگر آنکه نسبت به محتوای مطلب علم داشته و به لحاظ فنی بتوانند استفاده از آن محتوا را مانع شده و مسدود کنند ولی این کار را نکرده باشند.

۳- ارائه‌دهندگان خدمات، در قبال محتوای مطالب اشخاص ثالث مسئولیتی نخواهند داشت، اگر تنها کاری که صورت داده‌اند فراهم آوردن امکان دسترسی سایرین به آن محتوا باشد. ذخیره شدن خود به خود و موقتی محتوای مطالب اشخاص ثالث که به درخواست کاربرها صورت می‌گیرد ارائه خدمت دسترسی محسوب می‌شود.

هنگامی که یک لینک HREF توسط یک کاربر مورد استفاده قرار می‌گیرد به او می‌گوید که به یک منبع اطلاعاتی جدیدی رجوع کند. در این‌گونه لینک‌ها، سرور، صفحه جدیدی را از نو بر اساس اطلاعاتی که در محل لینک شده به آن یافته است برای کاربر به تصویر می‌کشد. در واقع لینک HREF صرفاً سرور را با آدرس اینترنتی یک صفحه جدید آشنا می‌گرداند. در اختیار گذاشتن چنین آدرسی همانند ارائه آن آدرس وب به صورت نوشته در یک متن روزنامه است. آدرس به خودی خود، در زمره اطلاعات محض یا خام می‌باشد و مورد حمایت قانون کپی‌رایت یا سایر نظام‌های حمایت از مالکیت فکری نمی‌باشد.

بنابراین معلوم می‌شود که ابزارهای قانونی برای جلوگیری اشخاص از گنجاندن یک لینک به دیگری در صفحات اینترنتی خود وجود ندارد. لکن در وضعیت‌های خاصی، لینک‌ها قابل تعقیب حقوقی هستند و عمده‌ترین مواردی که سبب مسئولیت مدنی ناشی از لینک غیرمجاز می‌شود در نقض کپی‌رایت، هتک حرمت، نقض علائم تجارتي و یا نقض قوانین رقابت ناعادلانه مشاهده می‌شود که برخی از این موارد را به اجمال مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱- آثار اشتقاقی

سایتی را در نظر بگیرید که برای معرفی داستان‌های کمیک (Comic) به مردم طراحی شده است. صاحب سایت برای ضمیمه کردن تصاویر به سایت مذکور، چندین لینک IMG را مورد استفاده قرار می‌دهد. این لینک‌ها به جستجوگران صفحه نمایش دستور می‌دهند که تصاویر مربوط به داستان‌ها را از سایت‌های کمیک دیگران پیدا کنند. تصاویری که با این روش در سایت

وی جمع می‌شود یک تصویر جدید به وجود می‌آورند. اگرچه هیچ یک از تصاویر کمیک دیگران در صفحه وی ذخیره نشده بودند اما، صفحه حاصل از جمع آنها یک اشتقاقی جدیدی ایجاد می‌کند که مبتنی است بر آن تصاویر از پیش موجود. در بسیاری از موارد ایجاد اثر اشتقاقی از تصویر دیگران چنانچه بدون اجازه آنها باشد نقض کپی‌رایت محسوب می‌شود. هنگامی که محتوای صفحه شخص دیگر از طریق یک لینک IMG غیرمجاز در صفحه کاربر ادغام می‌شود پدیدآورنده لینک مرتکب نقض مستقیم کپی‌رایت دیگران نشده است؛ زیرا ایجاد کننده لینک هرگز متن و محتوایی را کپی یا سرقت نکرده است. او صرفاً استفاده کننده از اینترنت را برای دستیابی به تصاویر راهنمایی کرده است که آن تصاویر بعداً در کل صفحه موجود در دستگاه کاربر (استفاده کننده) ادغام شده است. لذا تنها کاربر نهایی است که از تصاویر حمایت شده، کپی می‌کند. البته این امر بدان معنا نیست که ایجادکننده لینک از مسئولیت فرار کند. طبق قوانین مربوط به حقوق مؤلف، شخصی که ناآگاهانه امکان نقض را برای شخص دیگر فراهم می‌کند ممکن است به موجب نظریه نقض مشارکتی یا نسبی مسئول شناخته شود. (۲۱)

۲- جازدن اثر دیگری به نام خود^۱

اگر همان صفحه تصاویر کمیک را در نظر بگیریم می‌توانیم وضعیتی را تصور کنیم که تصاویر ادغام شده در آن صفحه، به نحو مقتضی، اسناد و ارجاع داده نشده‌اند. بلکه سایت مذکور، آن تصاویر را به عنوان اثر شخصی سازنده سایت معرفی می‌کند به گونه‌ای که مشاهده کنندگان گمان می‌کنند تصاویر اشتقاقی را مالک سایت ساخته است. مثال دیگر آنکه، شخصی با استفاده از لینک HREF اثر شخص دیگری را، به نام خویش معرفی می‌کند. چنانکه به خواننده می‌گوید: «اینجا کلیک کنید»^۲ تا برخی از بهترین آثار اصلی آقای X را ببینید، ولی لینک منتهی می‌شود به آثار تصویری آقای Y. این گونه جازدن آثار دیگران به نام خود در ایالت متحده تابع قوانین حاکم بر رویه‌های رقابتی می‌باشد. (۲۲)

1- Passing off

2- click here

۳- هتک حرمت

واژه هتک حرمت، ترجمان یک عبارت نادرستی است که درباره شخصی یا سازمانی گفته یا نوشته شده و به حیثیت و اعتبار او صدمه و خسارت زده است. لینک کردن به صفحه شخص دیگر یا تصویر شخص دیگر می‌تواند هتک‌آمیز باشد و لذا سبب مسئولیت حقوقی شود. یک مثال از لینک هتک‌آمیز به این صورت است که: این مرد (به گونه‌ای که با کلیک کردن روی کلمه مرد، تصویر و مشخصات او ظاهر شود) اموال مرا دزدید و تهدید کرد. این عبارت به خودی خود شخص را معرفی نمی‌کند. اما لینک کردن با فرض اینکه به آن شخص لینک شود زمینه انتساب آن عبارت به وی را فراهم کرده و آن عبارت را به هتک حرمت تبدیل می‌کند. (۲۳)

۴- نقض علائم تجاری

توضیحات مربوط به نقض علائم تجاری را در صفحات قبل ارائه دادیم. در اینجا اضافه می‌کنیم که هر نوع لینک کردن که به خطا، کاربر نهایی را به این نتیجه‌گیری رهنمون کند که سازنده صفحه اینترنتی به مالک یک علامت تجاری وابسته است یا مورد تأیید یا حمایت اوست، ممکن است منجر به دعوی نقض علائم تجاری گردد. برای مثال، یک لینک IMG علامت تجاری شخص دیگر را در صفحه اینترنتی به گونه‌ای قرار می‌دهد که منجر به یک نتیجه‌گیری اشتباه می‌شود. (۲۴)

بند پنجم: مسئولیت مدنی ناشی از نقض نام حوزه‌های وبسایت‌ها

الف - تعریف نام حوزه‌ها و اهمیت آنها

نام حوزه‌ها صرفاً آدرس‌های اینترنتی هستند. با استفاده از نام حوزه‌ها، پست الکترونیکی فرستاده و صفحات وب یافته می‌شوند. برای مثال، آدرس اینترنتی برای وبسایت

میکروسافت عبارتست از: `www.microsoft.com` در حالی که بیل گیت^۱ ممکن است یک آدرس پست الکترونیکی نظیر این آدرس: `bill@microsoft.com` داشته باشد. بدون نام حوزه، یک رایانه نمی‌داند یک `Web page` را در کجا جستجو کند و استفاده کنندگان از یک پست الکترونیکی نمی‌توانند نامه ارسال کنند. البته نام حوزه‌ها چیزی بیش از آدرس‌ها هستند. زیرا آنها توسط صاحب آدرس (مخاطب) انتخاب می‌شوند و معمولاً ارتباط نزدیکی با خدمت یا تولید خاص دارند.

نام حوزه‌ها دارای سلسله مراتب هستند. عالی‌ترین سطح این سلسله مراتب بعد از آخرین نقطه (.) در یک نام حوزه ظاهر می‌شود. در «`microsoft.com`» عالی‌ترین نام حوزه، `com` می‌باشد. `com` نامی است که بیشترین استفاده را در میان عالی‌ترین نام حوزه‌ها دارد و برای نشان دادن اینکه نام حوزه متعلق به یک بنگاه اقتصادی است مورد استفاده قرار می‌گیرد. دیگر نام حوزه‌های عالی عبارتند از `ORG` (برای سازمان‌های غیرانتفاعی)، `NET` (برای شبکه‌ها و اینترنت وابسته به سازمان‌ها) `EDU` (برای کالج‌ها و دانشگاه‌های چهار ساله)، و `GOV` (برای واحدهای دولتی). در کنار این نام حوزه‌ها هر کشوری نیز یک نام حوزه عالی منحصر به فرد دارد. برای مثال، `CV`، نام حوزه کانادا است؛ `IE`، نام حوزه ایرلند است (۲۵) و `IR` نام حوزه ایران است. اختلافاتی که درباره نام حوزه‌ها وجود دارد یا ایجاد می‌شود درباره نام حوزه‌های درجه دوم می‌باشد. نام حوزه درجه دوم نامیست که بلافاصله در سمت چپ نام حوزه درجه اول در یک آدرس اینترنتی قرار می‌گیرد و مثلاً در آدرس: `www.microsoft.com`، `microsoft` نام حوزه درجه دوم است. نام حوزه‌های هم شکل و همانند نمی‌توانند به طور هم زمان تحت یک نام حوزه درجه اول باشند. برای مثال، حتی اگر کمپانی `Delta Airlines`، `Delta Faucet` احتمالاً نام حوزه `(delta.com)` را داشته باشند تنها یک شرکت `delta` می‌تواند از آن استفاده کند و `Delta Airlines` می‌تواند به جای استفاده از `delta.com` از نام حوزه `Delta Airlines.com` استفاده کند و شرکت `Delta Faucet.com` از نام حوزه `Delta Faucet.com` استفاده کند.

۱- بیل گیت صاحب کمپانی میکروسافت - بزرگترین کمپانی رایانه‌ای دنیا - است.

برای اینکه در استفاده از نام حوزه درجه دوم حقی انحصاری برای انتخاب‌کننده آن نام ایجاد شود باید نام انتخاب شده در اداره ثبت این نام‌ها به ثبت برسد؛ همان‌گونه که در علائم تجاری، ثبت علامت تجاری برای ایجاد حق انحصاری لازم است.

ب - مصادیق نقض نام حوزه‌ها در اینترنت

شرکت‌های استفاده‌کننده از نام حوزه پیش از انتخاب نام حوزه درجه دوم خود باید در اینترنت جستجو کرده و احراز کنند که آیا نام حوزه مورد نظر آنها قبلاً انتخاب شده است یا نه؟ بهترین سایت برای انجام این جستجو Solutions Net Work است. هنگامی که یک کمپانی یا یک شرکت می‌فهمد که نام حوزه مورد نظر او توسط شخصی دیگر انتخاب شده است می‌تواند یا یک نام حوزه دیگر انتخاب کند یا اینکه با صاحبان فعلی آن نام حوزه‌ها برای تصاحب آنها مبارزه کند.

ج - راه‌حل‌های قانونی^۱

هنگامی که یک اختلاف درباره نام حوزه به وجود می‌آید طرفین می‌توانند به دادگاه رجوع کنند. با آنکه دادگاه‌ها و قضات اختیار تصمیم‌گیری در مورد کنترل نام حوزه‌ها و مالکیت آنها را دارند ولی رسیدگی‌هایی قضایی در این زمینه بسیار کند می‌باشد. چون شرکت‌هایی که در دادگاه‌ها طرح دعوی می‌کنند باید استدلالاتی را ارائه کنند در مورد اینکه چرا یک نام حوزه ثبت شده توسط یک شخص دیگر باید باطل شود یا به‌سازمانی که نتوانسته است با سرعت کافی به ثبت آن نام حوزه پیش از خواننده اقدام کند منتقل شود. به لحاظ تاریخی این استدلالات مبتنی بر حقوق علائم تجاری هستند. گاهی نیز طرح دعوی بر مبنای اصول سنتی حقوق حاکم بر علائم تجاری دشوار است به‌ویژه وقتی که شخصی تلاش می‌کند تا یک نام حوزه را به‌دست آورد یا وقتی که نتواند یک احتمال مشتبه شدن نام حوزه و گمراهی مخاطبان را اثبات کند یا یک فرد

مشهوری باشد که هرگز به لحاظ فنی حقوق علائم تجاری را به نام خود برقرار نکرده باشد. (۲۶)
دادگاه‌ها باید معیار و ضوابط ذیل را برای احراز اینکه آیا یک نام حوزه با سوءنیت به ثبت رسیده است یا نه، مورد توجه قرار دهند. (۲۷)

- ۱- آیا دارنده نام حوزه واجد حقوق علائم تجاری در آن نام حوزه است یا نه؟
- ۲- آیا نام حوزه مورد اختلاف نام قانونی دارنده نام حوزه است یا نام‌های دیگری که عمدتاً برای معرفی آن شخص مورد استفاده قرار می‌گیرند؟
- ۳- آیا دارنده نام حوزه پیش از ایجاد اختلاف، از نام حوزه در ارتباط با یک بیع کالا یا خدمات مبتنی بر حسن نیت استفاده کرده است یا نه؟
- ۴- آیا دارنده نام حوزه از علامت (تجاری‌اش) به یک روش غیرتجاری مبتنی بر سوءنیت یا به شیوه منصفانه در یک وب‌سایت قابل دسترس در نام حوزه استفاده می‌کند یا نه؟
- ۵- آیا دارنده نام حوزه تلاش می‌کند تا با استفاده از یک روش گمراه‌کننده مشتریان را از وب‌سایت مالک علامت تجاری، خواه برای منافع تجاری یا برای لکه‌دار کردن علامت مندرج در علامت تجاری منحرف سازد یا نه؟
- ۶- آیا دارنده نام حوزه بدون آنکه هیچ‌گونه قصدی نسبت به استفاده از علامت جهت فروش کالاها یا خدمات داشته باشد، پیشنهاد فروش نام حوزه را به مالک علامت تجاری یا به هر شخص دیگری در قبال منافع مادی داده است یا نه؟
- ۷- آیا دارنده نام حوزه بی‌آنکه قصد استفاده از آنها را در ارتباط با فروش کالا یا خدمات داشته باشد از الگوی ثبت و فروش نام حوزه‌ها استفاده کرده است یا نه؟
- ۸- آیا دارنده نام حوزه به هنگام ثبت نام حوزه مورد اختلاف یا در ارتباط با دیگر نام حوزه‌ها اطلاعات غلط داده است یا نه؟
- ۹- علامت تجاری تا چه اندازه مشخص و مشهور است.

بند ششم: نقض حریم خصوصی^۱

الف - تعریف حریم خصوصی و اهمیت آن

یکی دیگر از عرصه‌های مسئولیت در ارتباطات اینترنتی نقض حریم خصوصی اشخاص است. حق اشخاص بر حریم شخصی خود، امروزه در زمره حقوق بنیادین بشر به شمار می‌رود و نشانی از میزان توسعه یافتگی حقوق و احترام به کرامت انسان‌ها در آن جامعه است. منظور از حریم خصوصی، قلمرویی از زندگی اشخاص است که اشخاص به هیچ وجه مایل نیستند دیگران بدون اجازه آنها وارد این قلمرو شوند یا از آن آگاهی پیدا کنند. به دیگر سخن، آن بخش از زندگی اشخاص که آگاهی دیگران از آن به لحاظ کمیت و کیفیت در اختیار خود اشخاص می‌باشد حریم خصوصی نام دارد. (۲۸)

حرمت رعایت حریم خصوصی در نظام‌های حقوقی به اندازه‌ای است که بسیاری از کشورها در قوانین اساسی خود به این امر مهم تصریح کرده‌اند (۲۹) و برخی از کشورها گام را فراتر نهاده و قوانین خاص راجع به حمایت از حریم خصوصی نیز وضع کرده‌اند. (۳۰) طبعاً احترام به حریم خصوصی یک حق اساسی است؛ اما چارچوب این حق و شرایط استناد به آن برحسب اوضاع و احوال زمانی یا مکانی تغییر می‌کند و گاهی نیز برخی ویژگی‌های فردی در تصمیم‌گیری راجع به حیطه حریم خصوصی نقش بازی می‌کند. به همین دلیل، نمی‌توان رعایت حریم خصوصی را در همه کشورها امر مطلق به حساب آورد. اینکه چه اموری در مقوله حریم خصوصی جای می‌گیرد از کشوری به کشور دیگر و گاه از یک منطقه کشور به منطقه دیگر آن فرق می‌کند. (۳۱) با این حال، پاره‌ای اصول و قواعد درباره حق اشخاص بر حریم خصوصی خود وجود دارد که هم در قوانین اساسی و هم در قوانین عادی مربوط به حریم خصوصی به این اصول و قواعد توجه شده و احکام حریم خصوصی بر مبنای آنها تدوین می‌شود.

برای مثال، بسیاری از کشورهای جهان، آسیب و لطمه زدن به حریم زندگی خصوصی اشخاص را در هر حال تقصیر می‌دانند. ولی برخی کشورها نیز تنها در صورتی که نقض این

حریم عالمأ و عامداً باشد آن را تقصیر می‌شمارند. زیرا این کشورها می‌خواهند در هر شرایطی، آزادی مطبوعات یا آزادی اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها را تضمین کنند؛ لذا، تلاش می‌کنند تا لطمه به حقوق شخصیت را مجازات نکنند مگر در مواردی که این لطمه و آسیب از شدت بیشتری برخوردار باشد. برعکس، در کشورهای دسته نخست، حریم خصوصی اشخاص یک منطقه غیرقابل تجاوز است و هر نوع لطمه به آن ممنوع است و مسئولیت به جبران زیان را به دنبال دارد. (۳۲)

در این میان، کشورهای دسته دومی نیز وجود دارند که تجاوز به حریم خصوصی اشخاص را ممنوع می‌شناسند ولی در صورت وجود یک نفع مشروع بسیار مهم، در برخی موارد، لطمه به حقوق شخصیت را مجاز می‌دارند. این نفع مشروع مهم نیز اغلب از ضرورت‌های آزادی اطلاع‌رسانی نشأت می‌گیرد. (۳۳)

بلژیک، کانادا، آلمان، استرالیا، نیوزیلند و بعضی کشورهای دیگر به خاطر شدت احترام به حریم خصوصی اشخاص سازمان‌ها یا کمیسیون‌های ملی حمایت از حریم خصوصی افراد تشکیل داده‌اند تا اطمینان یابند که دولت‌ها و شرکت‌های خصوصی، شیوه‌های منطقی و عادلانه اطلاعات و اطلاع‌رسانی را (که مستلزم رعایت دیگر حقوق و آزادی اساسی بشری است) رعایت می‌کنند. (۳۴)

ب - حریم خصوصی در ارتباطات اینترنتی

حریم خصوصی افراد در ارتباطات اینترنتی به ویژه از طریق انتشار «اطلاعات شخصی» آنها در اینترنت نقض می‌شود. همچنین دسترسی غیرمجاز سایرین از طریق ارتباط اینترنتی به اطلاعات شخصی افراد مصداق دیگر نقض حریم خصوصی از طریق شبکه مذکور می‌باشد. کمیسیون اصلاحات حقوقی هنک‌کنگ در مورد اهمیت حریم خصوصی در شبکه اینترنت می‌گوید: «با توجه به اینکه پست الکترونیک، انتشار و توزیع مجدد و مکرر اطلاعات شخصی را در میان گروه‌های زیادی از مردم میسر می‌سازد خسارتی که در نتیجه انتشار اطلاعات حساس افراد در اینترنت ممکن است به آنها وارد شود در مقایسه با انتشار آن اطلاعات در یک روزنامه یا

نشریه محلی بسیار زیاد است. توانایی دستیابی تعداد زیادی از مردم به اینترنت امر حریم خصوصی را در خور اهمیت زیاد ساخته است. (۳۵)

اطلاعات راجع به حریم خصوصی اشخاص گاهی توسط افراد عادی و گاهی توسط رساها یا دایرکنندگان نقطه تماس در اینترنت منتشر می‌شود. در فرض اول، فردی که به اطلاعات خصوصی دیگری نظیر نامه‌های شخصی، فیلم‌ها یا عکس‌های خانوادگی دسترسی پیدا کرده است آنها را در اینترنت در دسترس عموم قرار می‌دهد. در این فرض، عمل فرد مذکور همانند انتشار همان اطلاعات در یک روزنامه و تابع احکام آن است. در فرض دوم، رساها یا دایرکنندگان نقطه تماس اینترنتی اطلاعاتی را که کاربرها الزاماً در اختیار آنها قرار داده‌اند یا بدون اطلاع کاربرها به آن اطلاعات دسترسی پیدا کرده‌اند در اختیار اشخاص غیرمجاز قرار داده یا در اینترنت در دسترس عمومی قرار می‌دهند. برای مثال، «قانون آزادی ارتباطات» (۳۶) فرانسه از تمام اشخاصی که درصدد پست کردن یک متن از طریق اینترنت هستند می‌خواهد تا از طریق اعلان نام و آدرس خود در وب سایت مربوطه نسبت به معرفی خود به عموم (در صورت ارتباط امر با تجارت) و یا نسبت به معرفی خود به گیرنده (در صورت ارتباط امر با افراد عادی) اقدام کنند. قانون مذکور از رساها می‌خواهد تا لوگوی تمام داده‌هایی را که ممکن است برای شناسایی یک ارائه‌دهنده متن، در رسیدگی‌های قضایی مورد استفاده قرار گیرد نگاه دارند. همچنین قواعد اسرار حرفه‌ای بر رساها اعمال می‌شود و آنها نمی‌توانند اطلاعات شخصی افراد را جز برای قاضی افشا کنند.

ج - حریم خصوصی مقامات عمومی و دولتی

نکته مهمی که در نقض حریم خصوصی مورد توجه قرار می‌گیرد، حریم خصوصی مقامات و شخصیت‌های عمومی یا دولتی است. زیرا، حریم خصوصی این اشخاص، به دلیل سمت آنها و موقعیتی که در جامعه دارند بسیار محدودتر از حریم خصوصی اشخاص عادی است و حتی در برخی کشورها همانند ایالات متحده آمریکا عقیده بر این است که مقامات و شخصیت‌های کشوری که به نمایندگی از مردم اداره امور آنها را بر عهده گرفته‌اند کاملاً باید در زیر ذره‌بین مردم

قرار گرفته و از نظارت مردم فراز نکنند. اعمال نظارت مردم نیز چه بسا مستلزم آگاهی مردم از چند و چون دارایی، روابط و معاشرت‌ها و سایر مسائل مربوط به نمایندگی است.

با این حال، گزارش کلی نهمین کنگره بین‌المللی حقوق تطبیقی درباره «خسارات ناشی از فعالیت رسانه‌های همگانی» حاکی از آن است که مقامات عمومی نیز از حریم خصوصی بهره‌مندند (۳۷) و نمی‌توان برای زندگی خصوصی ایشان هیچ حریمی را در نظر نگرفت. در عین حال ورود این افراد به عرصه مسائل عمومی معمولاً با فرض پذیرش حیطه تنگ‌تری از زندگی خصوصی برای خود و یا لااقل حیطه وسیع‌تری برای دخالت دیگران در این بخش از زندگی آنها می‌باشد. در این راستا برخی این فرمول را پیشنهاد کرده‌اند که: «زندگی خصوصی، آن‌گاه که زندگی عمومی شروع می‌شود متوقف می‌گردد.»^۱

بنابراین، بسته به بینشی که نسبت به منشأ حکومت و مدیریت در جامعه و حق مردم در تعیین سرنوشت خود وجود دارد، حریم خصوصی مقامات عمومی و دولتی می‌تواند وسیع یا محدود باشد. ولی نظر غالب آن است که مقامات عمومی و رسمی نیز از حریم خصوصی برخوردارند و نمی‌توان برای آنها هیچ حریمی را در نظر نگرفت، اما چون مقتضای فعالیت این اشخاص به گونه‌ای است که باید نظارت‌های گوناگون، از جمله نظارت‌های مردمی بر اعمال این اشخاص وجود داشته باشد، گاهی به خاطر این مصلحت برتر مواردی از حریم خصوصی این اشخاص به اطلاع عموم می‌رسد یا حتی مورد بازرسی نهادهای عمومی قرار می‌گیرد. برای مثال، اطلاعات راجع به دارایی اشخاص جزء حریم خصوصی آنها به شمار می‌رود، اما در مورد مقامات عالی‌رتبه، به منظور جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی می‌توان میزان دارایی آنها را افشا کرد.

1- La vie privée s'arrete Lá où commence la vie publique

بند هفتم: هتک حرمت^۱

الف - تعریف هتک حرمت

یکی دیگر از مصادیق تقصیر رسانه اینترنت «هتک حرمت» است. هتک حرمت مفهومی است که در برگیرنده مصادیقی چون افترا، توهین و نشر اکاذیب می‌شود و در یک تعریف کلی می‌توان گفت که: هتک حرمت عبارت از اظهارات خلاف واقع راجع به یک شخص حقیقی یا حقوقی است که به اعتبار و حیثیت آن شخص در جامعه خسارت و لطمه می‌زند. (۳۸)

در قوانین داخلی همه کشورها هتک حرمت سبب مسئولیت مدنی یا کیفری شناخته شده است و مکانیزم‌های لازم برای احقاق حق قربانیان هتک حرمت نیز پیش‌بینی شده است. برای مثال، ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی مقرر کرده است که: «کسی که در اثر تصدیقات یا انتظارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است...».

مواد ۶۹۷ و ۶۰۸ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی به ترتیب در مورد افترا، توهین و نشر اکاذیب اعلام می‌کنند که: «هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی... یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد»؛ «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی [محکوم] خواهد بود»؛ «هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی... اکاذیبی را اظهار نماید یا به همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد... علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان باید به حبس از ۲ سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم شود». حقوقدانان نیز به تفصیل درباره عناصر و ارکان «هتک حرمت» سخن گفته‌اند اما، درباره هتک حرمت از طریق اینترنت هنوز بحث اساسی

صورت نگرفته است و مهم‌ترین پرسشی که از زمان ظهور اینترنت تا به حال، حقوقدانان و دادگاه‌ها را در مواردی به هتک حرمت از طریق اینترنت با خود مواجه ساخته این است که آیا می‌توان احکام، قوانین و مقررات موجود را در مورد اینترنت نیز اعمال و اجرا کرد یا اینکه چون ماهیت عملکرد اینترنت با دیگر انواع رسانه‌ها متفاوت است و لذا باید احکام خاصی که با مقتضیات این ماهیت هماهنگی داشته باشد بر ارتباطات اینترنتی حاکم ساخت؟ در پاسخ به این سؤال تردید وجود دارد که مصداق بارز این تردید را در بند ج خواهیم دید.

برای مثال در نظام حقوقی کامن‌لا، هتک حرمت به دو نوع تقسیم‌بندی می‌شود: «هتک حرمت با روش‌ها یا صورت‌های ماندگار»^۱ و «هتک حرمت با روش‌ها و صورت‌های زودگذر»^۲. با توجه به اینکه ضمانت اجرای هتک حرمت نوع اول شدیدتر از نوع دوم است توصیف نوع هتک حرمت از طریق اینترنت حائز اهمیت زیادی است و اختلاف نظر در این باره همچنان میان حقوقدانان جریان دارد: (۳۹) برخی معتقدند که انتسابات اهانت‌آمیزی که از اینترنت قابل دسترسی است همانند انتسابات از طریق مطبوعات است و لذا Libel محسوب می‌شوند و برخی دیگر، انتساب از طریق اینترنت را به انتساب به وسیله رادیو و تلویزیون تشبیه می‌کنند و مدعی‌اند که اطلاق عنوان slander بر هتک حرمت از طریق اینترنت به عنوان Libel ترجیح دارد.

ب - تفکیک میان «اظهار واقعیت»^۳ و «اظهار نظر»^۴

نکته مهمی که توجه به آن در دعاوی هتک حرمت ضرورت دارد، تفکیک میان دو دسته از اظهارات و اسنادات است: گاهی شخصی چیزی را به دیگری نسبت می‌دهد که در واقع و عالم خارج نیز آن اسناد صحت دارد ولی برخی اوقات آنچه به دیگری نسبت داده می‌شود نتیجه تفسیر و تحلیل اوضاع و احوال و وقایع خارجی است. در فرض نخست، چون اسناد دهنده تنها

1- Libel

2- Slander

3- Statement of fact

4- Statement of opinion

وجود یک واقعیت یا چگونگی آن را به اطلاع دیگران می‌رساند - جز در مواردی که فعل او مشمول عنوان نقض حریم خصوصی می‌شود - مسئولیتی تحت عنوان هتک حرمت نخواهد داشت و به عبارت دیگر، فعل او هتک حرمت محسوب نمی‌شود به‌ویژه آنکه وظیفه اصلی رسانه‌های همگانی بیان واقعیات جامعه است. برعکس در فرض دوم، سختگیری بیشتر است و از شخصی که اظهاراتی را دربارهٔ دیگران در قالب اظهارنظر صورت می‌دهد انتظار می‌رود که ضمن تفکر و تأمل کافی به این امر مبادرت کند و الا ممکن است به دلیل انتسابات خلاف واقع، تحت عنوان هتک حرمت مسئول شناخته شود.

در حقوق ایران نیز بدون آنکه صریحاً میان «اظهار واقعیت» و «اظهارنظر» تفکیکی صورت گرفته باشد از مطالعه قوانین و مقررات مربوط به هتک حرمت می‌توان استنباط کرد که اظهار واقعیت، هتک حرمت تلقی نمی‌شود: ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی «تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع» را سبب ضمان مدنی شناخته و ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی مقرر کرده است که: «هرکس به‌وسیله اوراق چاپی یا خطی ... به کسی امری را صریحاً نسبت دهد ... و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید ...» تحت عنوان افترا قابل تعقیب خواهد بود و بالاخره اینکه ماده ۶۹۸ همان قانون «اظهار اکاذیب» را سبب ضمان کیفری شناخته است نه «اظهار واقعیت» را.

ج - هتک حرمت و مسئولیت رساها

با اینکه رساها صرفاً شرکت‌هایی هستند که دسترسی کاربران به اینترنت را میسر ساخته و از سراسر جهان اطلاعاتی را در اختیار آنها قرار می‌دهند و لذا اصولاً نباید در قبال مطالب هتک‌آمیز که دیگران تهیه کرده و در اینترنت قرار داده‌اند مسئول باشند چند عامل سبب شده است که قربانیان هتک حرمت، رساها را تحت تعقیب قرار دهند. از جمله، در بیشتر موارد، تعقیب مؤلف یک متن هتک‌آمیز گاهی بسیار دشوار و پرهزینه است ولی شناسایی رسایی که آن متن را در دسترس دیگران قرار داده است چندان دشوار نیست.

بیشترین بحث راجع به هتک حرمت از طریق اینترنت دربارهٔ ارائه دهندگان خدمات اینترنتی یا رساها صورت گرفته است. محور اصلی در این بحث، وجوه اشتراک و افتراق رسا با مدیر

مسئول یک روزنامه یا ناشر یک کتاب یا مدیربخش یک برنامه رادیویی یا تلویزیونی است. برخی حقوقدانان و قضات بر این عقیده‌اند که رساها همانند مدیران مسئول روزنامه، ناشران کتاب‌ها و مدیران بخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی هستند و لذا آن احکامی که درباره مسئولیت این اشخاص در زمینه هتک حرمت وجود دارد، به رساها هم قابل تعمیم و تسری است. (۴۰) برعکس برخی دیگر، این شباهت را انکار کرده و ادعا می‌کنند که وصف واقعی فعالیت رساها، توزیع است و نه چیز دیگر. توضیح بیشتر آنکه، اگر فعالیت و عملکرد رساها به گونه‌ای باشد که بر محتوا و مفاد مطالب و اظهاراتی که در صفحات اینترنتی آنها درج می‌شود نظارت و کنترل داشته و امکان حذف و اضافه یا اخذ توضیح از نویسنده مطالب یا بیان‌کننده اظهارات را داشته باشند، همانند مدیر مسئول یک روزنامه یا ناشر یک کتاب یا مدیر بخش یک برنامه رادیویی یا تلویزیونی، مسئول انتسابات هتک‌آمیز خواهند بود. اما اگر عملکرد آنها به گونه‌ای باشد که بدون اعمال نظارت و کنترل، مطالب و اظهارات دیگران را پخش کنند همانند اشخاصی محسوب خواهند شد که بدون اطلاع از محتوا و مفاد مطلبی آن را توزیع می‌کنند. در این صورت، مسئولیت رسا مشروط بر آن است که شخصی که نسبت به وی هتک حرمت صورت گرفته است، طی یک اخطار رسا را از مطلب اهانت‌آمیز آگاه کند و از او بخواهد تدابیر حذف‌کننده یا پیشگیرانه و یا هر دو را راجع به آن مطلب اتخاذ کند ولی رسا توجهی به این اخطار نکند. (۴۱)

ضابطه مذکور در رویه قضایی برخی کشورها تأیید شده است که در اینجا مختصری از دو دعوا را که تحت عنوان هتک حرمت علیه رساها اقامه دعوا شده است ذکر می‌کنیم:

در قضیه^۱ پرادیزی (۴۲)، به دلیل اظهاراتی که توسط یکی از مشتریان پرادیزی در تابلوی خبری^۱ پرادیزی صورت گرفته بود علیه وی (پرادیزی) طرح دعوی شد. در احراز کردن این امر که آیا پرادیزی در قبال اظهارات اهانت‌آمیزی که توسط یکی از مشتریان وی صورت گرفته است مسئولیت دارد یا نه، قاضی ایالتی نیویورک به این موضوع توجه کرد که آیا پرادیزی یک

«توزیع‌کننده اطلاعات»^۱ است نظیر یک فروشگاه کتاب یا کتابخانه، یا اینکه پراپیژی یک «منتشرکننده اطلاعات»^۲ است نظیر یک روزنامه. در فرض اول، پراپیژی مسئولیتی نداشته و در فرض دوم مسئول خواهد بود. قاضی، طی تصمیمی که برای بسیاری از ارایه دهندگان خدمات اینترنتی عجیب بود اعلام کرد که چون پراپیژی قبلاً سیاست‌های کنترل و سانسور حوزه متعلق به خود را به طور شفاف اعلان کرده است لذا باید «ناشر»ی تلقی شود که ممکن است مسئول شناخته شود. با این تصمیم قاضی، پراپیژی با طرف خود مصالحه کرد و مهلت به صدور رأی نهایی نرسید. (۴۳)

برعکس در قضیه کامپوسرو (۴۴) که دعوای مشابهی در یکی از دادگاه‌های فدرال آمریکا مطرح شد دادگاه اعلام کرد که کامپوسرو صرفاً به عنوان یک توزیع‌کننده اطلاعات عمل کرده است و لذا مسئول نیست. البته باید خاطر نشان کرد که کامپوسرو به این دلیل از مسئولیت رهایی یافت که چیزی درباره اظهارات اهانت‌آمیز نمی‌دانست و هیچ دلیل معقولی هم برای علم به آن اظهارات در دست نبود. و الا، اگر توزیع‌کننده، نسبت به اظهارات اهانت‌آمیز آگاه باشد و علی‌رغم آن، به توزیع آن اطلاعات ادامه دهد، به آسانی نمی‌تواند از مسئولیت بگریزد. (۴۵)

در سایر آرای قضایی نیز تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌های مشابه به چشم می‌خورد که ورود به آنها از حوصله این بحث خارج است. (۴۶)

یادداشت‌ها و زیرنویس‌ها:

۱- ر.ک. باقرانصاری و سایرین: مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی، انتشارات معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۱.

2- Daniel A. Tysver; *American Civil Liberties Union*, et al. V Janet. Reno (Attorney General of the United States-American Liberty Association, Inc., et. V United States Dep't of Justice, et al., p. 5 of 67, at: [www. bit Law. Aclu v. Ren. Decision. htm](http://www.bitlaw.com/aclu.v.ren.decision.htm).

- 3- Pamela Samuelson; "Can hackers be sued for damage caused by computer viruses?" *Journal of Communication of the AC*, 1989, V. 32, pp. 666-700.
- 4 - *Ibid.*, p. 667.
- ۵- ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، جلد دوم، مسئولیت مدنی، ش ۸۳، ص ۲۱۷، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- 6- Henry Desbois; *Le Droit d'auteur en France*, 2^e éd., p. 234, Dalloz, Paris, 1966.
- ۷- ر.ک: سیدحسین صفایی؛ «مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان»، شماره‌های ۶ و ۷ نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۵۰؛ مجموعه مقالات حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، نشر میزان، ۱۳۷۵، ص ۶۲ به بعد.
- 8 - Durga Das Basu; *Law of the press*, p. 415, New Delhi, Prentice Hall of India, 1986.
- 9 - *ISP Liability; Copyright liability concerns for internet service providers*, at: [www. Bit law. htm](http://www.Bitlaw.com).
- 10 - Maitre Cahen; *Responsabilite civil des fournisseurs D'accès*, at: [http://www. declic, net/fran cais/ savoir/dossier/Fourniss.htm](http://www.declic.net/fran/cais/savoir/dossier/Fourniss.htm), p. 3 of 10.
- 11 - Religious Technology Center V. Netcom Inc. Klemesrud (21 Novembre 1995, United State & District Court for the Northern District of California); available at: <http://www.eff.org/pub/legal/cases/Scientology-cases>.
- 12 - *Web site legal Issues; Copyright concerns when creating a web site*, at: [Bit Law. htm](http://www.BitLaw.com).
- 13 - *Fair Use in Copyright*; Bit Law. at: [Bit law. htm](http://www.BitLaw.com).
- 14 - *Trademarks on the Internet*; Bit Law. at: [Bit law. htm](http://www.BitLaw.com).
- 15 - Peter Carey; *Media Law*, p. 123, Sweet and Maxwell, London, 1996.
- 16 - Trademarks on the Internet, *Op.Cit.*
- 17 - *ISP Liability, Op.Cit.*
- 18 - *Ibid.*

- 19 - *Linking and Liability*, Bit Law, at : www. Bit Law. com, Linking and Liability. htm.
- 20 - Christian Koenig, Ernst Roder and Sascha Loetz; "*The Liability of Access Providers*" (a proposal for regulation based on the rules concerning access providers in Germany), *International Journal of Communications Law and Policy*, Issue 3, Summer 1999, p. 6.
- 21 - *Linking and Liability*; *Op.Cit.*, p. 3 of 6.
- 22 - *Op.Cit.*, p. 4 of 6.
- 23 - *Ibid.*
- 24 - *Ibid.*
- 25 - *Domain Name Dispuets*; Bit Law, at: www. Bit Law. Com, Domain Name Disputes, htm.
- 26 - *Op.Cit.*, p. 4 of 6.
- 27 - *Ibid.*
- ۲۸ - کارل هوسمن، «حرمت حریم خصوصی در برابر حق مردم به آگاهی از رویدادها» ترجمه داود حیدری، نشریه رسانه، سال هفتم، شماره سوم، ص ۴۲ و بعد.
- ۲۹ - اصل ۲۲ قانون اساسی بلژیک، اصل ۱۳ قانون اساسی سوئیس، اصل ۱۰ قانون اساسی هلند، اصل ۲۰ قانون اساسی ترکیه، اصل ۱۶ قانون اساسی کره جنوبی و اصل ۵ قانون اساسی برزیل.
- ۳۰ - ر.ک: «حریم افراد در جریان بین‌المللی اطلاعات» (بدون نام مؤلف) به ترجمه حسن نورائی بیدخت، نشریه رسانه، سال دهم، شماره دوم، ص ۲۷ و بعد.
- 31 - See: *International Encyclopedia of Social Sciences*; Edited by David Sius, vol. 11 and 12 (London: 1972, The Macmillan Company), p. 481.
- 32 - *Rapports Generaux au L^e Congrès International de Droit Comparè*; L'Université de Tèhèran Institut du Droit Comparé, Brulant, Bruxelles, 1977, p. 321.
- 33 - *Ibid.*
- 34 - *Privacy and Human Rights 2002*; an International Survey of Privacy Laws and Developments (London, Privacy International, 2002), p. 121

- and seq.
- 35 - The law Reform Commission of Hong Kong: *civil liability for Invasion of privacy*, 1998, para. 2-59.
- 36 - Loi N° 553 du 28 Juin 2000 relative a la liberté de communication.
- 37 - Rapports Generaux au Ixe Congrès International..., *Op.Cit.*, p. 313.
- 38 - Web Site Legal Issues (Bit lat); *Op.Cit.*, p. 4 of 6.
- 39 - Peter Carey, *Op.Cit.*, pp. 60-2.
- 40 - Mark A. Lemley, Peter s. Menell, Robert p. Merges, Pamela Samuelson; *Software and Internet Law*; Aspen law and Business, New York, 2000, p. 927.
- 41 - See: Michael Deturbide; "Liability of Internet Service Providers for Defamation in Us and Britain: Same competing Interests, Different Responses", *Journal of Information, Law and Technology*, 2000, N 3, available at: < <http://elj.warwick.ac.uk/jilt/00-3/deturbide.html> >.
- 42 - Statton Oakmont, Inc. v. Prodigy (1995); voir: Valérie Sédalian; *droit de l'Internet*, (Collection AVI, 2003), p. 125.
- 43 - ISP Liability, *Op.Cit.*, p. 4 of 4.
- 44 - Cubby, Inc. v. Compuserve (1991); Voir: Valérie Sédallian, *Op.Cit.*
- 45 - ISP liability, *Op.Cit.*
- 46 - See Mark A. Lemley, Peters. Menell, Robert P. Merges, Pamela Samuelson; *Op.Cit.*, pp. 921-32.

منابع فارسی:

- ۱- ر.ک. باقر انصاری و سایرین: مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی، انتشارات معاونت پژوهش، تدوین و تنفیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۱.
- ۲- ر.ک. سیدحسین صفایی؛ «مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان»، شماره‌های ۶ و ۷ نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۵۰؛ مجموعه مقالات حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، نشر میزان، ۱۳۷۵.

- ۳- ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، جلد دوم، مسئولیت مدنی، ش ۸۳، ص ۲۱۷، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- ۴- کارل هوسمن، «حرمت حریم خصوصی در برابر حق مردم به آگاهی از رویدادها» ترجمه داود حیدری، نشریه رسانه، سال هفتم، شماره سوم.

منابع لاتین:

- 1 - Christian Koenig, Ernst Roder and Sascha Loetz; "*The Liability of Access Providers*" (a proposal for regulation based on the rules concerning access providers in Germany), *International Journal of Communications Law and Policy*, Issue 3, Summer 1999.
- 2- Daniel A. Tysver; *American Civil Liberties Union, et al. V Janet. Reno* (Attorney General of the United States-American Liberty Association, Inc., et. V United States Dep't of Justice, et al., p. 5 of 67, at: [www. bit Law. Aclu v. Ren. Decision. htm](http://www.bitlaw.com/aclu.v.ren.decision.htm).
- 3 - *Domain Name Disputes*; Bit Law, at: [www. Bit Law. Com](http://www.BitLaw.Com), Domain Name Disputes, htm.
- 4 - Durga Das Basu; *Law of the press*, p. 415, New Delhi, Prentice Hall of India, 1986.
- 5 - *Fair Use in Copyright*; Bit Law. at: [Bit law. htm](http://Bitlaw.com).
- 6 - See: *International Encyclopedia of Social Sciences*; Edited by David Sius, vol. 11 and 12 (London: 1972, The Macmillan Company).
- 7 - *ISP Liability; Copyright liability concerns for internet service providers*, at: [www. Bit law. htm](http://www.Bitlaw.com).
- 8 - The law Reform Commission of Hong Kong: *civil liability for Invasion of privacy*, 1998.
- 9 - *Linking and Liability*, Bit Law, at : [www. Bit Law. com](http://www.BitLaw.com), Linking and Liability. htm.
- 10 - Mark A. Lemley, Peter s. Menell, Robert p. Merges, Pamela

- Samuelson; *Software and Internet Law*; Aspen law and Business, New York, 2000.
- 11 - See: Michael Deturbide; "Liability of Internet Service Providers for Defamation in Us and Britain: Same competing Interests, Different Responses", *Journal of Information, Law and Technology*, 2000, N 3, available at: < <http://elj.warwick.ac.uk/jilt/00-3/deturbide.html> >.
 - 12- Pamela Samuelson; "Can hackers be sued for damage caused by computer viruses?" *Journal of Communication of the AC*, 1989.
 - 13 - Peter Carey; *Media Law*, p. 123, Sweet and Maxwell, London, 1996.
 - 14 - *Privacy and Human Rights 2002*; an International Survey of Privacy Laws and Developments (London, Privacy International, 2002).
 - 15 - Statton Oakmont, Inc. v. Prodigy (1995); voir: Valérie Sédalian; *droit de l'Internet*, (Collection AVI, 2003).
 - 16 - *Trademarks on the Internet*; Bit Law. at: Bit law. htm.
 - 17 - *Web site legal Issues; Copyright concerns when creating a web site*, at: Bit Law. htm.